

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۷
صفحات: ۱-۳۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲

اقتصاد سیاسی بین‌المللی از نگاه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

دکتر سید محمد ساداتی نژاد* / احسان جعفری فر**

چکیده

در این مقاله، ابتدا به بررسی مفهوم اقتصاد سیاسی بین‌المللی و سابقه شکل‌گیری آن و مبانی نظری موجود در خصوص آن و همچنین نگاه کلی اسلام به اقتصاد پرداخته شد و در ادامه، نگاه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به مقوله اقتصاد سیاسی بین‌المللی در قالب دو دسته بندی مبانی و اصول فقهی بررسی شد. منظور از مبانی، بنیان‌ها و اصول کلی برگرفته شده از منابع فقهی است که فرا رشته‌ای بوده و خاص رشته اقتصاد سیاسی بین‌المللی نیست و منظور از اصول، سیاست‌های مرتبط با این رشته می‌باشد که در عین برخورداری از درجه‌ای از ثبات، امکان تغییر بر اساس شرایط و مقتضیات زمان را دارا می‌باشد. در بررسی مبانی فقهی اقتصاد سیاسی بین‌المللی از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مبانی خدا محوری، غیب باوری، اسلام محوری، معنویت محوری، ولایت محوری، اخلاق محوری، عدالت محوری و ظلم ستیزی استخراج شد و در بررسی اصول فقهی اقتصاد سیاسی بین‌المللی، ۱۳ اصل شامل اقتصاد مقاومتی، آزادی اقتصادی، انفاق اقتصادی، نظارت و مراقبت دولت اسلامی بر فعالیت‌های اقتصادی برای جلوگیری از بگی و ستم، اقتصاد عامل اعتلای سیاسی در نظام بین‌الملل، رفاه عمومی و عدالت اقتصادی، مبارزه با فساد مالی و اقتصادی، همکاری اقتصادی در میان کشورهای اسلامی، خود اتکایی و نفی سلطه کفار بر مسلمین و استقلال دولت اسلامی استخراج شد.

کلید واژه‌ها

اقتصاد اسلامی، فقه، اقتصاد سیاسی، اقتصاد مقاومتی، دولت اسلامی.

* پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Sadatinejad@yahoo.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مفید، قم، ایران.

مقدمه

در این مقاله، قرار است نگاه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به مقوله اقتصاد سیاسی بین‌المللی بررسی شود. به همین منظور، ابتدا به بررسی تعریف و سابقه اقتصاد سیاسی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی پرداخته می‌شود و سپس نگاه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در ارتباط با اقتصاد سیاسی بین‌المللی استخراج خواهد شد. موضوع اقتصاد سیاسی، یکی از موضوعات مهم در روابط بین‌الملل می‌باشد و خصوصاً با توجه به اهمیت مباحث اقتصادی در شرایط فعلی برای کشورمان و فشارهای اقتصادی و تحریم‌های شدید و بی‌سابقه دشمن، استخراج نگاه فقهی رهبری معظم به این حوزه و تقویت ادبیات موجود، امری اساسی و مورد نیاز می‌باشد. در این راستا، امید است این پژوهش، بتواند به غنای مباحث موجود در این حوزه، کمک نماید.

اقتصاد سیاسی زمانی از کلمه یونانی (Oikos) به معنای خانه و (Nomos) به معنای قانون گرفته شده بود و به معنای اقتصاد خانواده تعریف می‌شد. اما امروزه اقتصاد سیاسی به معنای تأمین نیازهای جامعه توسط دولت تعریف شده و به معنای مدیریت جامعه است. اقتصاد سیاسی می‌کوشد دولتمردان را در بهتر اداره کردن امور اقتصادی جامعه راهنمایی کند. (افراخته و حججی پور ۱۳۹۴: ۹۰) مباحث اقتصاد سیاسی ابتدا در قالب علم اقتصاد مطرح بود ولی بعداً به دلیل اهمیت آن، رشته‌ای به نام اقتصاد سیاسی ایجاد شد. امروزه اقتصاد سیاسی به بررسی تأثیر سیاست بر اقتصاد و به عبارتی تعامل حوزه سیاست و اقتصاد می‌پردازد. اقتصاد سیاسی با ماهیت سیاسی تصمیم‌گیری آغاز می‌شود و با چگونگی تاثیرگذاری امور سیاسی بر انتخاب‌های اقتصادی در یک جامعه ارتباط پیدا می‌کند. در این تعریف، جامعه چنان گسترده تعریف می‌شود که نه فقط کشورها یا سایر حوزه‌های قدرت، بلکه بنگاه‌ها، گروه‌های اجتماعی یا سایر سازمان‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

واژه اقتصاد سیاسی بین‌الملل اولین بار در سال ۱۶۱۵ توسط آنتوان دو مونکرشتین^۱ به کار برده شد که در واقع همان نام سنتی علم اقتصاد است. این امر تلاشی بود برای بررسی روابط متقابل اقتصاد و سیاست بر یکدیگر و در واقع تصریح این نکته که مطالعه توأمان دو

^۱ Antoine de Montchrestein

حوزه اقتصاد و سیاست به صورت یک حیطه مطالعاتی واحد، درک بهتری از تحولات ملی و بین‌المللی ارائه می‌کند. (محمدی، ۱۳۹۳: ۳۲)

کلارک اقتصاد سیاسی را دارای چهار جریان اصلی می‌داند که عبارتند از:

۱- جریان لیبرال کلاسیک که برگرفته از اقتصاد نئوکلاسیک است و اثربشی‌ها پرچم داران آن هستند.

۲- جریان رادیکال که منتج از مارکس و تئوری دمکراسی اجتماعی است و مکتب نهادگرایی و مکتب تاریخی آلمان، چهره‌ی امروزی آن را تشکیل می‌دهند.

۳- جریان محافظه‌کاری آدموند برک در شاخه‌های رمانتیسم و ناسیونالیسم که نئومحافظه‌کاران آن را هدایت می‌کنند.

۴- جریان لیبرال مدرن که هر چند آبخوری جز اقتصاد نئوکلاسیک ندارند، اما مکتب کمبریج و بالتبع کینزین‌ها (از نوع کینزی یا پست کینزی) مدافع آن‌ها هستند. (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۹)

اقتصاد سیاسی، رویکردهای متفاوت مرکانتیلیستی، واقع‌گرایی، لیبرالیستی، مارکسیستی و انتقادی وجود دارد که هر کدام، نگاه خاص خود را در مورد ماهیت، اهداف، کارکرد و سایر ویژگی‌های دولت و بازار یا سیاست و اقتصاد و تاثیرات و تعاملات متقابل میان آنها دارا می‌باشند. (پور احمدی ۱۳۹۲) اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری که دوران شکوفایی آن در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی در انگلستان و فرانسه بود، مقولاتی مانند ارزش بر پایه کار، بهره مالکانه، بهره و سود، خود تنظیم بودن بازار و نظریه ارزش و توزیع را مطرح کرد. در همین راستا، آدام اسمیت نیز بحث دست نامرئی را مطرح نمود. (جوانشیر ۱۳۶۰) بعداً کینزین‌ها، به بی‌ثباتی فرایند باز تولید و رشد در اقتصاد سرمایه‌داری پرداختند و اصل خود تنظیمی بازار را مورد نقد قرار دادند. (رابرتز، اقتصاد مارکس، فصل اول) در پایان قرن نوزدهم، نئوکلاسیک‌ها بر هدف اقتصاد بازار و مکتب اصالت مطلوبیت تاکید کردند. آن‌ها اقتصاد را بر مبنای ایده عدم کارایی بازار تعریف کرده و مانند کلاسیک‌ها بر اصل خود تنظیمی بازار اعتقاد داشتند. (درازن ۱۳۹۳)

در مقابل، مارکسیسم، بر سوسیالیسم، طبقه و کارگر تاکید و با رویکرد سرمایه‌داری مخالفت کرد. مارکس سه قانون عمده حرکت سرمایه‌داری را که عبارت از قانون ارزش، انباشت و سودآوری بود، مورد نقد قرار داد و تئوری بحران‌ها در نظام سرمایه‌داری را ارائه کرد. بر همین اساس، او معتقد بود سرمایه‌داری یک شیوه تولید است که سرانجام توان خود را برای افزودن

بر نیروهای مولد جوامع بشری از دست خواهد داد و باید جایگزین شود. مارکس در سال ۱۸۵۹ نیز کتابی با عنوان سهمی در نقد اقتصاد سیاسی منتشر کرد. (رابرتز، اقتصاد مارکس، فصل اول)

لیبرالیسم، نیز، به مادی گرایی و اصالت فرد و سود ناظر است. ارزش‌ها در نزد لیبرال‌ها نسبی است و هرچه به بیشینه کردن لذت‌های مادی کمک کند، خوب است. از نگاه لیبرالیسم، عقل بهتر از هر نهاد دینی یا دنیوی دیگر می‌تواند کوتاه‌ترین و بهترین راه دست‌یابی به اهداف و ارزش‌ها را برگزیند. بنابراین، به راهنما نیازی نیست. در این فرهنگ، انسان مالک خود، زندگی، کار و اموال خویش است و این امور به خدا، دولت، نهادهای دینی یا دنیوی تعلق ندارد. (میرمعزی، ۱۳۸۷: ۳۹) در بینش لیبرال سرمایه‌داری، عدالت اقتصادی اهمیت ندارد و رشد اقتصادی برتر از آن شمرده می‌شود. (مقدم و واعظ، ۱۳۹۵: ۱۱۵)

اقتصاد سیاسی بین‌المللی

در تداوم اقتصاد سیاسی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی با تاکید بر روابط متقابل اقتصاد و سیاست، بر این نکته متمرکز است که بررسی توأمان این دو حوزه به صورت یک حوزه مطالعاتی بین‌رشته‌ای درک بهتری از تحولات ملی و بین‌المللی ارائه می‌کند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد، مانع سیاسی-ایدئولوژیک که موجب جدایی مطالعات میان حوزه‌های اقتصاد و سیاست شده بود، بیش از پیش تضعیف شد. همزمان با این تحولات، جهانی شدن نیز که با ظهور نشانه‌های انقلاب ارتباطات و اطلاعات از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود، در دهه ۱۹۹۰ رشد فزاینده‌ای پیدا کرد و تصویری از جهان جدید ارائه کرد که در آن هر پدیده‌ای با پدیده دیگر مرتبط، تاثیرگذار و تأثیرپذیر بود. در این شرایط، جدایی نظری و عملی میان حوزه‌های اقتصاد و سیاست بیش از پیش متزلزل شد. تحت تأثیر تحولات مذکور در جهان واقعی زمینه تقویت حوزه مطالعاتی اقتصاد سیاسی بین‌المللی فراهم آمد. (انجمن ایرانی روابط بین‌الملل، گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی)

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی به موضوعاتی مانند توسعه، جهانی شدن، حکمرانی خوب، مسائل زیست‌محیطی، مطالعات انرژی، سازمان‌های بین‌المللی مؤثر در اقتصاد جهانی، دیپلماسی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصی‌سازی، دیپلماسی تجاری، تأثیر قدرت‌های نو ظهور بر روندهای اقتصاد سیاسی بین‌المللی، شرکت‌های فراملی و بازیگران غیر دولتی در

اقتصاد جهانی و بررسی نظریه‌های علمی در این حوزه، می‌پردازد. (انجمن ایرانی روابط بین الملل، گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی)

حوزه اقتصاد سیاسی بین‌المللی، پیوند نزدیکی با روابط بین‌الملل دارد. نظریه پردازان اقتصاد سیاسی بین‌المللی اعتقاد به در هم تنیده بودن جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روابط بین‌الملل دارند و بر این اساس از برخی اقتصاددانان به سبب تمرکز محض روی اقتصاد و نادیده گرفتن عوامل سیاسی خرده می‌گیرند و از برخی دانشمندان علوم سیاسی نیز به سبب سیاست باوری یا بی‌توجهی به ساختارها و فرایندهای اقتصادی انتقاد می‌کنند. اقتصاد سیاسی بین‌المللی با تعامل دولت‌ها و تجارت بین‌المللی سر و کار دارد. دولت‌ها گرچه به دنبال قدرت هستند؛ اما غلبه‌ی دارند که با انباشت ثروت در ارتباط است و بازار و تجارت بین‌الملل نیز از ملاحظات قدرت برکنار نیست. در حالی که دولت‌ها نگران حفظ حاکمیت و یکپارچگی خود هستند، تجارت بین‌المللی به دنبال گشایش اقتصادی و در هم شکستن موانع دولتی است. لذا گاهی تعامل دولت‌ها و تجارت بین‌المللی موجب تنش و درگیری می‌شود. (مارتین، ۱۳۹۰)

گذشته از تعاملات دولت و بازار، اقتصاد سیاسی بین‌المللی مناسبات دولت‌ها با شرکت‌های چند ملیتی به منزله اصلی‌ترین بازیگران غیردولتی در اقتصاد جهان را هم در بر می‌گیرد. گذشته از شرکت‌های چند ملیتی، امروزه توجه بیشتری به دیگر بازیگران غیردولتی، شامل گروه‌های کارگری، سازمان‌های غیردولتی و جنبش‌هایی اجتماعی می‌شود که نماینده منافع مختلف از جمله محیط زیست، زنان، حقوق بشر و محرومان شناخته می‌شوند. جدای از این‌ها به نقش سرمایه نیز توجه زیادی می‌شود. بدین ترتیب، اقتصاد سیاسی بین‌المللی به حوزه مطالعاتی پیچیده‌تری مبدل شده که نه تنها به مناسبات دولت و بازار بلکه همچنین به روابطی توجه دارد که در آن، پای شرکت‌های چند ملیتی، سرمایه، کار، سازمان‌های غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی فرامرزی در میان باشد. از همین رو، پژوهشگران اقتصاد سیاسی بین‌المللی ناچارند روی هر دو دسته تعاملات داخلی و بین‌المللی تکیه کنند و مرزبندی‌های موجود میان برخی از رشته‌های علوم اجتماعی را نادیده بگیرند. (مارتین، ۱۳۹۰)

در بررسی تئوریک حوزه اقتصاد سیاسی بین‌المللی، غالباً سه دیدگاه نظری اصلی واقع‌گرایانه، لیبرالیسم و نگاه انتقادی وجود دارد. واقع‌گرایان با همه توجهی که به توزیع قدرت دارند نگاهشان عمدتاً به مناسبات قدرت‌های بزرگ در دل نظام سرمایه داری دوخته شده و مانند لیبرال‌ها پای بند سرمایه داری هستند. برعکس، انتقادی‌ها به تهیدستان و محرومان

توجه دارند و معتقدند تحت حاکمیت سرمایه داری توزیع برابرتر قدرت و ثروت امکان ناپذیر است. واقع گرایان چون اولویت را نه به اقتصاد بلکه به سیاست می‌دهند، فرض را بر این می‌گذارند که دولت، توانایی قابل ملاحظه‌ای برای ساختاربندی مناسبات اقتصادی در سطح بین المللی دارد و جهانی شدن نیز از آن رو توسعه یافته که دولت‌ها اجازه آن را داده‌اند. سوداباوران یا مرکنتی لیست‌ها اعتقاد داشتند که ستیز و درگیری نقشی محوری در مناسبات اقتصادی بین المللی دارد و دستاوردهای نسبی مهم‌تر از دستاوردهای مطلق است. بدین ترتیب سوداباوران جای پای محکمی در مکتب فکری واقع‌گرایی داشتند. در سده هجدهم، اقتصاددانان لیبرال مانند آدام اسمیت سوداباوری را به شدت مورد حمله قرار دادند و مدعی شدند که این اندیشه، دولت‌ها را به بهره برداری از همسایگان خود تشویق کرده و موجب شده است تجارت و بازرگانی به سرچشمه درگیری تبدیل شود. انتقادات لیبرال‌ها از سوداباوری بسیار کارگر افتاد و نگرش‌های لیبرالی درباره تجارت آزاد طی بخش اعظمی از سده نوزدهم در انگلستان دست بالا پیدا کرد. با این که بسیاری از واقع‌گرایان اولیه، توجه بسیاری به موضوعات اقتصادی داشتند، پژوهشگران واقع‌گرای ایالات متحده در دوران پس از جنگ جهانی دوم تقریباً به طور دربست روی مسائل امنیتی متمرکز شدند. ولی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دگرگونی‌های اقتصادی بزرگی رخ داد و لذا مسائل اقتصادی بین المللی، اهمیت محوری پیدا کرد. (مارتین، ۱۳۹۰)

لیبرالیسم پرنفوذترین دیدگاه در اقتصاد سیاسی بین المللی است. این دیدگاه، برای تک تک مصرف‌کنندگان، شرکت‌ها یا کارآفرینان و افراد، جایگاهی والا و حقوقی سلب ناشدنی قائل است که باید از آن در برابر جمع‌هایی چون اتحادیه‌های کارگری، تشکیلات مذهبی و دولت محافظت کرد. لیبرال‌ها معتقدند تعاملات اقتصادی بین المللی اگر به حال خود، وا گذاشته شوند می‌توانند برای هر دو طرف تعامل سودمند باشند. از مناسبات اقتصادی آزاد احتمالاً همه دولت‌ها و افراد بهره‌مند خواهند شد، هرچند که سهم برابری نصیبشان نشود. از این گذشته، لیبرال‌ها اعتقاد دارند نظام اقتصادی بین المللی در صورتی به کارآمدترین نحو فعالیت خواهد کرد که در نهایت، وابسته به ساز و کار قیمت و بازار باشد. به باور لیبرال‌ها، هدف فعالیت اقتصادی بین المللی دست‌یابی به نحوه بهینه یا مؤثرترین نحوه استفاده از منابع کمیاب جهان و پیشینه ساختن رشد و کارایی اقتصادی است. نظریه‌های لیبرالی عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم در تلاش برای پرهیز از مشکلات اقتصادی سال‌های میان دو جنگ جهانی، از جمله جنگ‌های تجاری، بحران‌های مالی و رکود بزرگ، نظریه‌های اقتصادی لیبرال با هدف حفظ یک

اقتصاد بین‌المللی لیبرال و آزاد، صورت گرفت. بر این اساس، حرکت به سمت گشایش بیش‌تر در اقتصاد بین‌الملل شامل تدابیری برای محافظت کردن از اقتصادها و جوامع داخلی در برابر اختلالات بیرونی می‌شد و برای به حداقل رساندن مداخلات در توسعه اقتصادی جهان نیز سیاست‌هایی در جهت تأمین ثبات داخلی درانداخته شد. در دهه ۱۹۴۰ در همین راستا، سه سازمان صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) تأسیس شدند. این نهادها، پشتیبان اصول اقتصادی لیبرال بودند و در عین حال به محافظت از دولت‌های عضو در برابر اثرات گسیختگی زای وابستگی متقابل اقتصادی کمک می‌کردند. در این دوران، سه رویکرد لیبرالیسم مداخله‌جو، نو لیبرالیسم و لیبرالیسم نهادگرا فعال بودند. (مارتین، ۱۳۹۰)

در مقابل، دیدگاه‌های انتقادی در وضعیت موجود اقتصاد سیاسی بین‌المللی ایجاد تردید کردند. این دیدگاه، خواهان جایگزین شدن ساختارها و مناسبات عادلانه‌تر و منصفانه‌تر، به جای سلسله مراتب حاکم قدرت هستند. نظریه پردازان انتقادی به جای پذیرش مناسبات موجود سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مثابه واقعیاتی عینی که تنها باید تبیین شوند، این «واقعیات» را برخاسته از ترتیباتی تاریخی و اجتماعی می‌دانند که برخی از بازیگران را در موقعیت ممتاز و دیگران را در حاشیه قرار می‌دهد. برجسته‌ترین دیدگاه انتقادی در بررسی اقتصاد سیاسی بین‌المللی، ساختارگرایی تاریخی است. اصطلاح ساختارگرایی تاریخی در برگزیده مجموعه گسترده‌ای از رویکردهای نظری شامل مارکسیسم، نظریه فرو وابستگی، نظریه نظام‌های جهانی، تحلیل‌های پیروان گرامشی و نظریه تنظیم است. همه این رویکردها ریشه‌هایی در مارکسیسم دارند ولی برخی از آن‌ها به شکل کاملاً اساسی از اندیشه‌های مارکسیسم اصیل فاصله گرفته‌اند. اصطلاح «ساختارگرایی» بیانگر توجه این دیدگاه به شیوه‌های ساختاری بهره‌کشی است که در چارچوب آن‌ها یک طبقه بر طبقه دیگر تسلط دارد یا دولت‌های ثروتمند شمال در مرکز اقتصاد جهانی بر دولت‌های تهیدست جنوب در پیرامون اعمال سلطه می‌کنند. ساختارگرایان تاریخی مناسبات اقتصادی را اساساً ستیزآلود می‌دانند و معتقدند بهره‌کشی می‌تواند شکل کشمکش طبقات با هم یا مبارزه میان کشورهای توسعه یافته شمال و کشورهای در حال توسعه جنوب را به خود گیرند. (مارتین، ۱۳۹۰)

اقتصاد سیاسی در اسلام

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف است که از کتاب و سنت پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) و عقل استنباط می‌شود. در نظام اقتصادی اسلامی مبانی بینشی در چارچوب اخلاق و حقوق اقتصادی اسلام در جهت هدف‌های اقتصادی اسلام سامان می‌یابد. انقلاب اسلامی ایران نیز که در اوج کشمکش و رقابت کمونیسم، امپریالیسم برای سلطه بر جهان به وقوع پیوست، بنیادهای هستی‌شناسی، روش‌شناسی و ایدئولوژی این دو قطب را به چالش کشید. به عبارت دیگر، آنچه انقلاب اسلامی ایران در زمان جنگ سرد بر پایه آن شکل گرفت، نوعی از اندیشه و عمل سیاسی-اقتصادی بود که مؤلفه‌هایی همچون معنویت‌گرایی در چارچوب گفتمان فرهنگ و استعمارزدایی در چارچوب حریت و استقلال، را هم تفاوتی را در نظام جهانی باز گشود (متقی ۱۳۹۵: ۶۰).

در اقتصاد اسلامی، جوانب اثباتی و هنجاری، آن قدر از درون به هم پیوند خورده‌اند که هر کوشش و تلاش برای جداسازی آن‌ها از یکدیگر گمراه‌کننده است و نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت. این دو جنبه، هر دو به طور انفکاک ناپذیر مقید به فلسفه اسلامی و وضعیت‌های مذهبی و فرهنگی هستند. (پیغامی ۱۳۸۹: ۳۷۳) در بینش لیبرال سرمایه‌داری، عدالت اقتصادی اهمیت ندارد و رشد اقتصادی برتر از آن شمرده می‌شود، درحالی‌که در بینش اسلامی رشد در مرتبه‌ای پس از عدالت قرار دارد. از دیدگاه امام خمینی(ره) نیز اقتصاد هدف نیست بلکه خود وسیله است. هدف غایی سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تربیت و هدایت مردم؛ هدف میان مدت عبارت از عدالت اقتصادی، استقلال سیاسی و اقتصادی، برقراری امنیت اقتصادی و رفاه عمومی؛ و هدف کوتاه مدت عبارت از تثبیت اقتصادی شامل ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی، توزیع عادلانه و تخصیص منابع می‌باشد. (مقدم و واعظ، ۱۳۹۵: ۱۱۵)

کارشناسان معتقدند حدود نیم قرن از عمر اقتصاد اسلامی می‌گذرد و شهید صدر، پدر اقتصاد اسلامی جدید است که با تدوین کتاب اقتصاد دانان، این دانش را بنا نهاد و از آن زمان تا کنون به سرعت تکامل یافته و بالنده شده است. اکنون این دانش به سه شاخه مذهب اقتصاد سیاسی، نظام اقتصادی سیاسی و علم اقتصاد سیاسی تقسیم می‌شود. (میرمعزی، ۱۳۹۴: ۶) دیدگاه شهید صدر در مورد مذهب اقتصادی اسلام، عبارت از اصول روش تنظیم حیات

اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی است. این اصول باید درباره مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام باشد و از منابع اسلامی کشف شوند و دارای دو بخش ثابت و متغیرند. (میرمعزی، ۱۳۸۵: ۱۲۸) مذهب اقتصاد سیاسی، همان نگاه دینی به اقتصاد سیاسی و برآمده از فقه اقتصاد سیاسی است که شهید صدر از آن تعبیر به مذهب اقتصاد سیاسی می‌کند.

در تعریف علم اقتصاد اسلامی گفته شده که عبارت از مطالعه سیاست‌های کلان در جامعه اسلامی می‌باشد که به نظام اقتصاد اسلامی و تأثیر آن بر متغیرها و تصمیم‌های اقتصادی می‌پردازد. (کهنف، ۱۳۸۵: ۱۷۲) برخی نیز بر این باورند که موضوع علم اقتصاد اسلامی عبارت از بررسی پدیده‌ها یا رفتارهای اقتصادی یک مسلمان در جامعه اسلامی از دیدگاه خرد و کلان است. از این رو بر این باورند که تا وقتی رفتارها براساس آموزه‌های اسلام شکل نگرفته و مذهب اقتصادی اسلام پیاده نشده است، نمی‌توان از علم اقتصاد اسلامی به‌طور دقیق سخن گفت. شهید صدر معتقد است فعلاً مذهب اقتصادی داریم و هنوز علم اقتصاد اسلامی ایجاد نشده است. (میرمعزی، ۱۳۸۶: ۹)

با این مقدمه، اکنون به بررسی اقتصاد سیاسی بین‌المللی در نگاه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پرداخته می‌شود.

مبانی و اصول اقتصاد سیاسی بین‌المللی از نگاه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

زمانی که از مبانی سخن گفته می‌شود منظور مبانی است که مستقیماً برگرفته از منابع فقهی (قرآن و سنت) است و به نوع نگرش اسلام به عنوان یک دین و مذهب به پیرامون خود بر می‌گردد (مصباح شهرستانی ۱۳۹۱: ۲۰۳، جوادی آملی ۱۳۸۸، جوادی آملی (ب) ۱۳۹۰) و جنبه عمومیت داشته و خاص اقتصاد سیاسی بین‌المللی نیست بلکه سایر حوزه‌ها مانند روابط بین‌الملل، سیاست، حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و غیره را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین منظور از مبانی فقهی اقتصاد سیاسی بین‌المللی، مجموعه‌ای از مسائلی است از اقتصاد گرفته تا سیاست و فرهنگ و مسائل اجتماعی را شامل می‌شود که دانش فقه با آن مرتبط است. مبانی فقهی، کلی و عام و لایتغیر هستند و مستقیماً از منابع اخذ شده است.

زمانی که از اصول فقهی سخن به میان می‌آید، منظور قواعد و اصول فقهی، قانون‌ها و ضوابطی است که از آن بطور خاص فقط برای تنظیم روابط و تعاملات اقتصادی بین‌المللی دولت‌ها بکار می‌رود و به حوزه عملکرد دولت‌ها و دولت اسلامی در اقتصاد سیاسی بین‌المللی

نظارت دارد. (مصباح شهرستانی ۱۳۹۱: ۲۰۳، جوادی آملی ۱۳۸۸، جوادی آملی (ب) ۱۳۹۰) اصول فقهی بر گرفته از منابع و مبانی فقهی است. به عبارتی، اصول همان قواعد فقه اقتصاد سیاسی بین المللی هستند که نقش پایه‌ای و اساسی برای این شاخه دارند و بیانگر احکام شرعی حوزه اقتصاد سیاسی بین المللی است. قواعد و اصول فقهی پاسخگوی مسائل روز و مبتلا به و نو پیدا در حوزه اقتصاد سیاسی بین المللی بوده و به نظام مند کردن مقررات این حوزه بر اساس قوانین شرع می‌پردازد.

مبانی فقهی اقتصادی سیاسی بین المللی

با جستجو در نگاه فقهی مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) به اقتصادی سیاسی بین المللی، از منظر مبانی می‌توان ۸ مبنای ذیل را برای اقتصاد سیاسی بین المللی از نگاه ایشان، استخراج نمود:

۱- خدا محوری

آیت الله خامنه‌ای معتقد است اعتقاد به بودن و نبودن خدا، هر کدام شکلی مخصوص برای زندگی و عمل بوجود می‌آورد. فرد یا جامعه‌ای که معتقد به وجود خداست، نوعی و شکلی زندگی می‌کند و فرد و جامعه‌ای که این حقیقت را منکر است به نوع و شکل دیگری زندگی می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۲: ۴۱-۴۳) ایشان شعار لا اله الا الله را یک نموداری از جهان بینی و ایدئولوژی مکتب اسلام معرفی می‌کند و اینکه همه قدرتهای طاغوتی و غیر خدایی را نفی می‌کند و خود را از یوغ بردگی هر نیروی اهریمنی نجات می‌دهد. از نظر وی، نظام‌های غیر توحیدی، نظام‌هایی هستند که بر شالوده یک تفکر بشری بنا شده و نمی‌توانند بشر را کامیاب سازند و او را به کمال مطلوب انسانی‌اش برسانند. فقط جامعه و نظام الهی است که چون از حکمت و رحمت خدا سرچشمه گرفته و با آگاهی از نیازهای انسان و از آنچه می‌تواند برآورنده این نیازها باشد طرح ریزی شده، می‌تواند محیط مساعد و مناسبی باشد برای رشد این نهالی که نامش انسان است. (خامنه‌ای ۱۳۷۲: ۴۵-۴۶)

۲- غیب باوری

آیت الله خامنه‌ای، در مورد توجه همزمان به غیب و شهود نیز می‌گوید ایمان به غیب، معنایش این است که ماورای آنچه که در محدوده‌ی حواس ظاهری و ادراک مادی انسان هست، عالم دیگری وجود دارد. یعنی ماورای این عالم ملک، ملکوت و عالم معنایی هست. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۶۹: ۲۳۲) او موضوع غیب را جدای از موضوع معاد و قیامت و عالم بعد از مرگ دانسته و تشریح می‌کند که این عالم معنا، متعلق به قیامت و برزخ و بعد از مرگ نیست؛ متعلق به همین الآن من و شماست و باید به آن معتقد بود. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۶۹: ۲۳۲)

۳- اسلام محوری

آیت الله خامنه‌ای جهان بینی و بینش اسلامی را یک بینش فلسفی و زیربنائی می‌داند (خامنه‌ای ۱۳۷۰: ۳۵) و اشاره می‌کند که فرمان و اراده خدا فقط در قالب یک جامعه اسلامی به معنای واقعی قابل لمس و قابل پیاده شدن است. (خامنه‌ای ۱۳۷۲: ۴۵-۴۶) در این فراز، آیت الله خامنه‌ای به خوبی ارتباط میان دو اصل بنیادین خدا محوری و اسلام محوری را بیان می‌کند و اینکه نظام الهی و خدا محور تنها در قالب نظام اسلامی و اسلام محور قابل پیاده شدن و اجرائی شدن است. ایشان تفکرات اسلامی و حکمت برخاسته از اصول اسلامی را مبنای حرکت، مشی و اداره جمهوری اسلامی معرفی می‌کند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۰: ۴۳۵)

آیت الله خامنه‌ای صریحاً اشاره می‌کند اگر بنای دنیا و نظام بین‌المللی بر دین نباشد، بنای استکباری خواهد بود و دین را علاج همه نابسامانی‌ها در دنیا معرفی می‌کند. ایشان بزرگترین وظیفه ملت‌های مسلمان در دنیای امروز را بازگشت به اسلام و حاکمیت آن معرفی می‌کند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۶۹: ۴۳۵) ایشان بر همین اساس، در پاسخ استفتائی فرهنگ غربی را دشمن فرهنگ اسلامی دانسته و ترویج آن را جایز نمی‌داند. (خامنه‌ای، رساله اجوبه: ۳۲۹) در جای دیگر در پاسخ به یک استفتاء از تعبیر فرهنگ منحط غربی استفاده و ترویج آن را جایز نمی‌داند. (خامنه‌ای، رساله اجوبه: ۳۳۰) ایشان گرچه در متون فقهی خود وارد جزئیات فرهنگ غربی نمی‌شود ولی در گفتمان سیاسی خود که برگرفته از دیدگاه فقهی اوست به خوبی به تشریح این موارد می‌پردازد و ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی (خامنه‌ای، حدیث ولایت،

بیانات سال ۷۲: ۹۸، بیانات سال ۶۹: ۴۳۵-۴۳۶ و بیانات سال ۶۹: ۴۵)، آزادی مورد نظر غربی، (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات، سال ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰)، سکولاریسم و اباحی‌گری (همان، بیانات سال ۸۷: ۱۸۵)، فردمحوری و اباحه‌ی لذات، (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۸۵: ۱۸۶)، دموکراسی غربی (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۸۶: ۵۶) و سوسیالیسم را رد می‌کند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، حدیث ولایت، بیانات سال ۶۸: ۴۵۴) بنابر این از نگاه ایشان، در نظام اسلامی در چارچوب دین خدا و اراده مردم حرکت می‌شود و بدین ترتیب، اسلام محوری را نیز می‌توان به عنوان یک مبنای فقهی اقتصاد سیاسی بین‌المللی از نگاه آیت الله خامنه‌ای استنباط کرد.

۴- معنویت باوری

ایشان همچنین در رد ماتریالیسم و نگاه مادی به ابزار قدرت اشاره می‌کند که قدرت استکبار، قدرت مادی است، و قدرت مادی توان مقابله با قدرت معنوی و انسانی را ندارد (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۶۸: ۶۶) و پول و سلاح مدرن و قدرت مادی و سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری، تکیه‌گاه مطمئنی برای انجام کارها نیستند. (همان ۱۰۲) از نگاه وی، محاسبات نظام‌های سوسیالیستی و مارکسیستی، صددرصد مادی بود و عنصر معنویت، در آن لحاظ نشده بود، لذا فرو ریخت و امپراتوری تفکر غربی امپریالیستی استکباری، متکی بر سود سرمایه و در آمد کارخانجات و استفاده از نیروی کار ارزان و تبلیغات و بهره‌گیری از انحراف‌های اخلاقی و گسترش فرهنگ فساد در دنیا، هم شکست خواهد خورد. (همان، بیانات سال ۶۹: ۴۲۹)

۵- ولایت محوری

آیت الله خامنه‌ای در فقه فتوایی خود به التزام به ولایت ائمه معصومین (ع) اشاره دارد. (اجوبه الاستفتائات، ولایت فقیه و حکم حاکم، پاسخ سؤال ۶۲) ایشان همچنین همه طبقات جامعه اسلامی را ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر می‌داند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید. (اجوبه الاستفتائات، ولایت فقیه و حکم حاکم، پاسخ به مساله ۶۳) ایشان امامت را حرکتی در میان امت، برای امت و در جهت خیر می‌داند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۹: ۹) از نظر ایشان جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی امامت است یعنی در رأس جامعه، امام است و امام، انسانی است که قدرت دارد، اما مردم از روی ایمان و دل، از او

تبعیت می‌کنند و پیشوای آنان است. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۵: ۶۵) رهبری، ولایت را اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر معنا کرده و اشاره می‌کند که اسلام از حکومت با عنوان ولایت تعبیر کرده است و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا یعنی اشتقاق کلمه‌ی ولایت معرفی می‌کند. معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیری با مردم دارد. این رابطه، فلسفه‌ی سیاسی اسلام را در مسأله‌ی حکومت معنا می‌کند. هر حکومتی که این طور نباشد، ولایی نیست؛ یعنی حاکمیت مورد نظر اسلام نیست. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۶: ۲۳)

ایشان بر همین اساس، ضمن اینکه بر ضرورت داشتن حکومت و اداره جامعه از نظر اسلام (خامنه‌ای، بخش استفتائات در سایت، ولایت فقیه و حکم حاکم: سؤال ۶۳) و نفی استبداد (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۱: ۱۱۷) تاکید دارد، می‌گوید بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولایی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند و این حکم، شامل فقهای عظام هم می‌شود. به نظر ایشان التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین نیست. (خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ولایت فقیه و حکم حاکم، پاسخ سؤال ۶۲) ایشان در پاسخ استفتائی دیگر می‌فرماید مراد از ولایت مطلقه فقیه جامع شرایط این است که همه طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید و از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید و وسائل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است. (خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ولایت فقیه و حکم حاکم، پاسخ به مسأله ۶۳) ایشان معتقد است فقه امروز عناصر اداره جامعه را در خود داراست و اشاره می‌کند که امروز استنباط فقهی باید بر اساس فقه اداره‌ی نظام و نه فقه اداره‌ی فرد باشد و استنباط فقهی در همه‌ی موضوعات باید به عنوان جزئی از مجموعه‌ی اداره‌ی یک کشور استنباط شود. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۰ در درس فقه: ۱۸۳) بنابر این پرواضح است که ولایت محوری نیز به عنوان یک مبنای فقهی در رویکرد فقهی ایشان قابل استنباط است.

۶- اخلاق محوری

آیت الله خامنه‌ای ایمان به خداوند و تقوا پیشگی را از ویژگی‌های اخلاق محورانه اسلام معرفی می‌کند و فرهنگ مشترک شرق و غرب را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است این فرهنگ‌ها به دنبال کشاندن آحاد مردم به غفلت و رها کردن زمام شهوات و هواهای نفسانی بودند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۶۹: ۲۵) آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتائی اشاره می‌کند که دروغ و فریب و تقلب در معاملات جایز نیست هر چند طرف مقابل غیر مسلمان باشد. (خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، مسائل متفرقه تجارت، ۱۶۱۱) ایشان در جای دیگر اشاره می‌کند که اهل کتاب (مانند یهودیه‌ها، مسیحی‌ها و زرتشتی‌ها) تا زمانی که مطیع قوانین و مقررات دولت اسلامی که در حمایت آن زندگی می‌کنند، باشند و کاری که منافی با امان است، انجام ندهند، حکم معاهد را دارند یعنی باید جان و مال و آبروی آنان حفظ شود و حقوق مشروع و قانونی آنها مراعات گردد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، رساله آموزشی، ج ۱)

۷- عدالت محوری

آیت الله خامنه‌ای در فقه فتوایی خود وجود ولی امر و حاکم و رهبر را برای برقراری عدالت و جلوگیری از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف می‌داند. (اجوبه الاستفتائات، ولایت فقیه و حکم حاکم، پاسخ به مساله ۶۳) نامبرده هدف و غایت برای حرکت جامعه‌ی اسلامی را تشکیل جامعه‌ی عادلانه می‌داند (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۲: ۸۱) و عدالت را برای جامعه لازم می‌داند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۱: ۱۳۵) ایشان معتقد است بدون عدالت نمی‌توان جامعه اسلامی را به عنوان الگو و نمونه و هدایت گر برای ملت‌های عالم معرفی کرد (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات، سال ۱۳۷۱: ۵۱-۵۲) و مشکل امروز نظام بین المللی و اقدامات ابرقدرت‌ها را همین می‌داند که روش اداره آنها تنها مادی است و به دنبال برقراری عدالت نیستند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۱: ۵۲)

۸- ظلم ستیزی

آیت الله خامنه‌ای در فقه فتوایی خود بر جلوگیری از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف تاکید می‌کند. (اجوبه الاستفتائات، ولایت فقیه و حکم حاکم، پاسخ به مساله ۶۳) ایشان در پاسخ به یک استفتاء اشاره دارد هر چیزی که از نظر عرف، کمک به ظالم محسوب شود حرام است، چه

کمک مستقیم و چه غیر مستقیم باشد. (خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۲، ۱۳۹۳) نگاه کلی ایشان در مبارزه با ظلم و حرام اعلام کردن آن، نشان می‌دهد که می‌توان ظلم ستیزی را به عنوان یک مبنای فقهی در حوزه اقتصاد سیاسی از نظر ایشان استنباط کرد.

اصول فقهی مورد نظر آیت الله خامنه‌ای در اقتصاد سیاسی بین‌المللی

یکی از کلیدواژه‌های مهم در بحث اقتصاد سیاسی از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، نظریه اقتصاد مقاومتی است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بارها در سالهای اخیر بر آن تاکید نموده است. می‌توان نگاه جمهوری اسلامی ایران در باب اقتصاد سیاسی را در قالب همان تئوری اقتصاد مقاومتی خلاصه نمود. اقتصاد مقاومتی، به خوبی پیوستگی و تعامل اقتصاد و سیاست را در نگاه ایشان برجسته می‌نماید. ایشان در سال‌های اخیر، اقتصاد را مسئله اصلی کشور دانسته و بر اقتصاد مقاومتی تاکید و گفته است باید هر حرکت دولت در زمینه‌های اقتصادی در مجرای جدول اقتصاد مقاومتی قرار داشته باشد. (خامنه‌ای، خرداد ۱۳۹۵)

۱- اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) شعار سال ۹۳ را، اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی نامید و بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح و گفت باید اقتصاد کشور را به شکلی در آورد تا از آن سوی دنیا کسی نتواند با یک تصمیم و نشست و برخاست بر روی اقتصاد و معیشت ملتمان اثر بگذارد. (خامنه‌ای ۱ فروردین ۹۳) رهبری در سخنرانی دیگری می‌گوید اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که مقاوم است. اقتصادی که با سیاست‌های آمریکا و تحرکات جهانی تکان نمی‌خورد. این اقتصاد، درون‌زا است یعنی از دل ظرفیت‌های کشور و مردم می‌جوشد. رشد این نهال به امکانات کشور متکی است. اما اقتصاد مقاومتی درون‌گرا نیست. این اقتصاد با اقتصاد جهانی تعامل دارد و با قدرت، با آن روبرو می‌شود. (خامنه‌ای ۱ فروردین ۹۳)

از نگاه ایشان اقتصاد مقاومتی مردم بنیاد است یعنی اقتصادی دولتی نیست و بر محور دولت نمی‌گردد. این سخن به معنای مسئولیت نداشتن دولت نیست. کار اقتصادی دست مردم است و دولت به عنوان مسئول عمومی، هدایت و کمک و نظارت می‌کند. اقتصاد مقاومتی عدالت محور است. عدالت به معنای تقسیم فقر نیست بلکه به معنای افزایش تولید و سرمایه ملی است. از نظر رهبری اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است. ظرفیت‌های کشور

فوق العاده است و امکان تحقق اقتصاد مقاومتی وجود دارد و این ظرفیت جلوی چشم مردم است. یکی از این ظرفیت‌ها نیروی انسانی است که یک فرصت بزرگی است... منابع طبیعی دیگر ظرفیت کشور است... همچنین موقعیت جغرافیایی ایران ظرفیت دیگر کشور است. (خامنه‌ای، ۱ فروردین ۱۳۹۳)

ایشان می‌گوید فرهنگ از اقتصاد مهمتر است. ایشان معتقد است باید فرهنگ تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد. (خامنه‌ای ۱ فروردین ۱۳۹۳) ایشان نجات کشور از وابستگی به قدرت‌ها، بسته شدن راه سوء استفاده آنها را از نتایج روند تدریجی تحقق اسلام ناب در ایران بر شمردند. ایشان اشاره می‌کند که هدف اصلی دشمن با وارد کردن فشار شدید اقتصادی و هجوم وسیع اما بی سر و صدا در عرصه فرهنگ، که از محورهای اصلی طراحی و عملیات جبهه دشمن است، نا امید کردن مردم از نظام اسلامی و گرفتن پشتوانه اساسی از مسئولان در ایستادگی مقابل دشمن است. (خامنه‌ای، دیدار با خبرگان، اسفند ۹۵)

ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود مستقیماً به واژه اقتصاد سیاسی اشاره و می‌گوید الگوی اقتصاد مقاومتی الگویی است که از نظر اقتصاد سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. (خامنه‌ای، مطالعه بیشتر درباره اندیشه اقتصادی، ۱۵ دی ۱۳۹۲) ایشان سال ۹۵ را نیز سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نام گذاری کرد و تولید، اشتغال، از بین بردن رکود، قاچاق و واردات و صادرات را مهم دانسته و گفت جذب سرمایه گذاری خارجی اقدامی مثبت است. (خامنه‌ای، دیدار با اعضای خبرنگان، اسفند ۹۵)

۲- آزادی اقتصادی

ایشان بحث آزادی اقتصادی در اسلام را مطرح ولی می‌گوید از این واژه، سوء استفاده‌های زیادی شده است. طرفداران مکتب چپ گفتند اسلام طرفدار اقتصاد آزاد است و بنابر این طرفدار استثمار است و عده‌ای دیگر هم که می‌خواستند از اسلام دفاع کنند ولی تفکر عمیق اسلامی را هم درست نمی‌دانستند، منکر شدند که در اسلام، چیزی به نام آزادی اقتصادی وجود دارد. ایشان تاکید می‌کند که آزادی اقتصادی در اسلام به هیچ وجه نباید به آزادی اقتصادی در دنیای سرمایه داری غرب تشبیه شود. دو نوع آزادی و دو نوع تلاش اقتصادی وجود دارد. آنچه که امروز در غرب هست، مورد قبول اسلام نیست و سرمایه داری به معنای غربی آن به هیچ

وجه از نظر اسلام امضا و تأیید نشده است. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۴ مهر ۱۳۶۶)

ایشان بهترین راه برای اینکه آزادی اقتصادی تأمین بشود در یک جامعه اسلامی را، این می‌داند که حکومت اسلامی و دولت اسلامی سیاستی اتخاذ کند و قوانینی وضع بکنند که بر طبق آن قوانین، همه‌ی افراد در جامعه اسلامی قادر باشند آزادانه فعالیت اقتصادی بکنند و همه‌ی قشرهای مردم از فعالیت اقتصادی خود بتوانند بهره‌مند شوند. این یکی از وجوه امتیاز و جدائی بین نظام اسلامی و نظام‌های غربی در اقتصاد است. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۴ مهر ۱۳۶۶)

ایشان همچنین در باب آزادی اقتصادی اشاره می‌کند که اسلام در کنار آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی، که به همه افراد جامعه اعطا کرده، نظارت و کنترل دقیق دستگاه حاکمیت را هم بر همه اینها لازم دانسته است. ایشان همین نکته را در سطح جهانی نیز دارای کاربرد می‌داند و می‌گوید ... اگر یک نظام عادلانه اقتصادی جهانی برقرار باشد، اگر سازمان‌های بین‌المللی مسلط و قوی وجود داشته باشد، جلوی این‌ها باید گرفته شود. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۴ مهر ۱۳۶۶)

ایشان یک نکته‌ی دیگر در باب اقتصاد آزاد در اسلام را این می‌داند که هیچ‌گاه اجازه داده نمی‌شود فعالیت آزاد اقتصادی موجب دست‌درازی به سرنوشت سیاسی جامعه و دخالت در بافت سیاسی و تشکیلات سیاسی جامعه بشود؛ سرمایه‌سالاری، آن چیزی است که امروز در کشورهای سرمایه‌داری غرب به قوت هرچه تمامتر وجود دارد. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۴ مهر ۱۳۶۶)

در اقتصاد آزاد اسلامی به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه بر دوش مردم است. در کشورهای سوسیالیستی اینجوری نیست؛ در کشورهای سوسیالیستی و در نظام دولت‌سالاری که دولت همه‌ی کارخانجات، زمین‌ها و دستگاه‌های تولید ثروت را و تولید را در اختیار دارد، مردم کارمندان دولت هستند. اما در نظام اسلامی اینجوری نیست، انفاق و دادن مال و اداره‌ی امور نیازهای اقتصادی و پر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش ملت و مردم است و آحاد مردمی است که کارهای اقتصاد جامعه و فعالیت آزاد اقتصادی را در جامعه دارا هستند. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۴ مهر ۱۳۶۶)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در جای دیگر می‌فرماید در جامعه‌ی اسلامی مرز فعالیت آزاد اقتصادی، همان چیزهایی است که به صورت کسب‌های حرام و تصرفات حرام در مال در کتب فقهیه معین و مشخص شده است. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۵ آبان ۱۳۶۶)

۳- لزوم انفاق اقتصادی

در نظام اسلامی، انفاق و دادن مال و اداره‌ی امور نیازهای اقتصادی و پر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش ملت و مردم است و آحاد مردمی است که کارهای اقتصاد جامعه و فعالیت آزاد اقتصادی را در جامعه دارا هستند. این یک اصل اسلامی است؛ مسئله‌ی انفاق... این همه آیات انفاق در قرآن بیان یک حکم اخلاقی نیست، بیان یک فریضه‌ی شرعی است. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۴ مهر ۱۳۶۶)

جمع ثروت و عدم انفاق از نظر اسلام یک ضد ارزش و یک گناه و شاید یک گناه کبیره است. اینجور نیست که چون کار با سرمایه جایز و مباح هست، پس بنابراین انسان حق دارد - ولو از طرق مشروع و حلال - ثروتی را جمع کند و آن را نگه دارد، در حالی که جامعه به ثروت او و به امکانات او و به دارائی او احتیاج دارد، آن را در راه مصالح عمومی و در راه خدا خرج نکند؛ این جایز باشد و مباح باشد، چنین چیزی نیست. در اسلام انفاق یک اصل است؛ باید در راه خدا خرج کرد. آیات متعددی در قرآن بعلاوه‌ی روایات فراوان وجود دارد. در سوره‌ی حدید، خداوند می‌فرماید و الله لا یحبّ کلّ مختال فخور. الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل؛ آن کسانی که بخل می‌ورزند، دیگران را هم وادار به بخل ورزیدن می‌کنند، دیگران را هم از انفاق در راه خدا باز می‌دارند، خودشان هم اموال خودشان را در راه خدا نمی‌دهند. آیه دیگر، آیه‌ی معروفی است که الذین یکنزون الذهب و الفضّه و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم؛ آن کسانی که طلا و نقره را گنج می‌کنند، ذخیره می‌کنند و در راه خدا آن را انفاق نمی‌کنند. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۵ آبان ۱۳۶۶)

۴- لزوم نظارت و مراقبت دولت اسلامی بر فعالیت‌های اقتصادی برای جلوگیری از بغی

و ستم

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) اشاره دارد که در اقتصاد جامعه‌ی اسلامی اگرچه مردم در فعالیت‌های اقتصادی میدان باز و وسیعی دارند و آزادی‌های زیادی دارند و هر کسی این حق را

دارد که فعالیت و تلاش اقتصادی بکند، اما در کنار این حق و اختیار برای مردم یک اختیار و حقی هم برای دولت اسلامی و قدرت حاکم بر جامعه‌ی اسلامی قرار داده شده است و آن حق کنترل و نظارت و مراقبت است زیرا اگر این حق برای حاکم اسلامی نباشد و مردم بدون نظارت دولت و بدون رعایت سیاستهای دولت تلاش اقتصادی را شروع کنند و انجام بدهند، این یقیناً در جامعه به طغیان، به ظلم، به بغی، به فساد منتهی خواهد شد. اگر نظارت دولت اسلامی و حاکمیت اسلام نباشد، قانون اسلامی به خودی خود، نمی‌تواند معجزه بکند. قانون هنگامی کاربرد دارد و مؤثر است که بالای سر قانون، یک دست قوی و نیرومندی باشد و آن دولت اسلامی است. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۱ دی ۱۳۶۶)

یکی از اهرم‌های استقرار عدالت در جامعه‌ی اسلامی، حکومت اسلامی و دولت اسلامی و به تعبیر روشنتر دستگاه اجرائی اسلامی است... علاوه بر قوه‌ی قانونگذاری و علاوه بر قوه‌ی قضائی که باید مقابل تخلفات از قانون را بگیرند، یک قدرتی هم متعلق است به قوه‌ی اجرائی و دستگاه اجرائی که با این قدرت، با این قوه، با این اعمال نفوذ و قدرت باید در محدوده‌ی قوانین اسلامی و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و تخلفات را ببیند و بشناسد و از آنها جلوگیری کند، ظالم را از ظلم منع کند، بغی و طغیان و تعدی و تجاوز را اجازه ندهد و خلاصه مظهر حاکمیت اسلامی باشد؛ یعنی دولت اسلامی و دستگاه اجرائی اسلامی و حاکم اسلامی باید حضور کاملی در همه‌ی فعالیتهای جامعه داشته باشد. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۱ دی ۱۳۶۶)

دولت اسلامی و دستگاه اجرائی اسلامی به اتکا اختیارات امام می‌تواند در جامعه‌ی اسلامی اعمال قدرت بکند، جلوی ظلم را بگیرد، جلوی بغی را بگیرد که این ملاک نظام اسلامی است که می‌فرماید انّ الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی؛ خدای متعال فرمان می‌دهد نسبت به عدالت و نیکی کردن و کمک کردن به نزدیکان، و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی؛ از فحشاء، از منکرات و از بغی نهی می‌کند. بغی یعنی همین ظلم کردن، تعدی کردن، از حقوق خود تجاوز کردن، طغیان کردن، اموال دیگران را به ناحق و ظلم غصب کردن، به مردمی که به کار آنها محتاج هستند تعدی کردن، طبقه‌ی مستمند و محروم و مستضعف جامعه را پایمال کردن. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۱ دی ۱۳۶۶)

۵- اقتصاد عامل اعتلای سیاسی در نظام بین الملل

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرماید وقتی که در یک کشور، توسعه‌سازندگی و زیرساختهای اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا می‌شود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور - به معنای واقعی کلمه - به وجود می‌آید؛ کشور از اعتلای سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار می‌شود. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، ۸ شهریور ۱۳۷۵)

۶- رفاه عمومی و عدالت اقتصادی

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌گوید اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. در نظامهای سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است، نه یک جامعه فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی. آنچه در درجه اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است - مثل فرصتها و امکانات - متعلق به همه کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد. ثروتی که بر پایه صحیحی نیست، از اصل نامشروع است. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می‌گیرد؛ ابتکار و میدان را می‌گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق می‌کند. در اسلام، چنین چیزی نداریم. (خامنه‌ای، تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۲ مرداد ۱۳۷۲)

۷- مبارزه با فساد مالی و اقتصادی

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در پیامی به تشکیل ستاد مبارزه با مفساد اقتصادی و تهیه طرح مبارزه با فساد که دو قوه مجریه و قضائیه بدان همت گماشته‌اند، تاکید دارد. ایشان می‌گویند امروز کشور ما تشنه‌ی فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه به فضائی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده‌ی کار و همه‌ی قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشود، و اگر

امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولید کننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راههای نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد. (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفساد اقتصادی، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۲)

ایشان همچنین اشاره می‌کند که خشکانیدن ریشه‌ی فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه بوسیله‌ی قوای سه‌گانه مخصوصاً دو قوه‌ی مجریه و قضائیه است. ایشان تسامح در مبارزه با فساد را، بنوعی همدستی با فاسدان و مفسدان می‌داند. اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضائی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند. این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. (خامنه‌ای، فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفساد اقتصادی، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۲)

۸- اهمیت همکاری اقتصادی کشورهای اسلامی با یکدیگر

آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به‌کار ببریم که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مسأله‌ی اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه‌ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدفهای اسلامی است. اساس این بانک توسعه‌ی اسلامی بر پایه‌ی مبانی شریعت و احکام اسلامی است؛ ما از پیشرفت این مرکز مالی و صندوق بین‌الملل اسلامی حمایت می‌کنیم و آن را برای دنیای اسلام و برای اسلام مفید میدانیم. آنچه مهم است این است که اگر دنیای اسلام با ظرفیتهای فراوانی که دارد، سر و سامانی به اقتصاد خود ندهد، در این حرکت اقتصادی جهانی، بلاشک طعمه‌ی دیگران خواهد شد. اگر دنیای اسلام که دارای عظمت و امکانات است، به فکر هماهنگ کردن امکانات خود نیفتد و از این ظرفیتهای به صورت یک مجموعه استفاده نکند، طعمه‌ی قدرتهایی خواهد شد که امروز بر سر تقسیم منافع دنیا با یکدیگر رقابت می‌کنند. ایشان تأکید می‌کند که موانع تجارت میان کشورهای اسلامی باید برطرف شود؛ این تصمیمی است که دولت‌ها باید بگیرند. فکر بازار مشترک اسلامی یک فکر کاملاً عملی است. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۲۵ شهریور ۱۳۸۳)

۹- لزوم خصوصی سازی اقتصاد

رهبری با اعلام سیاستهای راهبردی و بسیار مهم نظام درباره بند ج اصل چهل و چهار قانون اساسی و با تاکید بر شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی و عادلانه در کشور، سیاستهای کلی بند ج اصل چهل و چهار قانون اساسی را درباره توسعه بخشهای غیردولتی از طریق واگذاری فعالیتها و بنگاههای دولتی، به رؤسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند. (خامنه‌ای، ابلاغ سیاستهای راهبردی، ۱۱ تیر ۱۳۸۵)

از نظر ایشان اجرای این سیاستهای استراتژیک که واگذاری هشتاد درصد از سهام کارخانه‌ها و بنگاههای بزرگ دولتی مشمول اصل چهل و چهار را شامل می‌شود زمینه تحقق اهدافی بسیار مهم از جمله سرعت یافتن روند رونق اقتصادی و توسعه کشور - اجرای عدالت اجتماعی - فقرزدایی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله را فراهم می‌کند. در پرتو این سیاستها نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم به سیاستگذاری، هدایت و نظام تغییر می‌یابد و ضمن توسعه سرمایه انسانی متخصص - بخشهای مختلف اقتصادی کشور برای مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرایند تدریجی و هدفمند تقویت می‌شوند. (خامنه‌ای، ابلاغ سیاستهای راهبردی، ۱۱ تیر ۱۳۸۵). ایشان همچنین بر واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاههای دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخشهای خصوصی شرکتها و تعاونی سهامی عام و بنگاههای عمومی غیردولتی در بخش هالیی مانند بانکهای دولتی، شرکت‌های بیمه و غیره اشاره می‌کند و الزامات این واگذاری را نیز بیان می‌کند. (خامنه‌ای، ابلاغ سیاستهای راهبردی، ۱۱ تیر ۱۳۸۵)

۱۰- افزایش ثروت ملی و عدالت اجتماعی دو پایه اقتصاد اسلامی

از نظر رهبری، هم کارآمدی در جهت رشد رونق اقتصاد، هم کارآمدی در جهت تأمین عدالت را باید در اقتصاد اسلامی پیگیری کرد و کارآمدی در هر دو را به دنیا نشان داد. ایشان می‌گوید ما وقتی به صورت کلان به زمینه‌ی اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه‌ی اصلی مشاهده می‌کنیم. یکی از آن دو پایه عبارت است از افزایش ثروت ملی. کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی است. این دو تا باید تأمین بشود و اولی، شرط دومی است. اگر تولید

ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ خواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دو تا لازم است. (خامنه‌ای، ۳۰ بهمن ۱۳۸۵)

۱۱- رد استعمار ملتها

ایشان با رد استعمار ملتها، آن را لکه‌ی ننگ تاریخ بشر در یکی دو قرن اخیر معرفی می‌کند و می‌گوید انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها در نقاط مختلف آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین رفتند بومیها را قتل عام کردند، سرزمین‌ها را تصرف کردند، دزدی کردند، خیانت کردند، هزار فاجعه به وجود آوردند؛ زیر نام نوسازی، پیشرفت، استعمار. در دوره‌ی بعد هم که نواستعمار پدید آمد، باز هم همین بود. این همه تجاوز، این همه جنگ‌افروزی، این همه کودتا که به وسیله‌ی سرویسهای امنیتی کشورهای غربی - چه آمریکا، چه انگلیس و چه غیر اینها- انجام گرفته، همه زیر پرچم تجددخواهی و پیشرفت و تحول و توسعه انجام گرفته. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶)

۱۲- خود انکابی

ایشان تاکید می‌کند که امروز استقلال ملت ما یک نمونه‌ی مثل زدنی در همه‌ی دنیا شده است. ما بایستی این استقلال را در همه چیز از خودمان نشان بدهیم. یک دوره‌ای شرق و غرب عالم، دست به دست هم دادند و این ملت را زیر فشار یک جنگ سنگین و سخت هشت‌ساله قرار دادند، ولی ملت با کمال قدرت تحمل کرد. بعد از آن تا امروز، زیر فشارهای تبلیغاتی، زیر فشار تحریم اقتصادی قرار داشتیم. حالا تازه ما را به تحریم اقتصادی تهدید می‌کنند! ما همین پیشرفتهای علمی در زمینه‌ی هسته‌ای و غیر اینها را در حال و هوای تحریم اقتصادی به دست آوردیم. آنچه که انقلاب به ما داده و توقع ما از خودمان است، این است که این را روز به روز در خودمان تقویت کنیم؛ آن، اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس ملی؛ ملت به خود اعتماد به نفس داشته باشد، بداند که می‌تواند مقاصد خودش را با همت بلند و با مجاهدت و با همدستی همه‌ی کشور با یکدیگر، پیش ببرد؛ این را باید بدانیم. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶)

۱۳- نفی سلطه کفار بر مسلمین و لزوم رعایت استقلال دولت اسلامی

آیت الله خامنه‌ای هر گونه اقدامی را که موجب انفعال مسلمانان و خطر پذیری و چشم به راه خطر داشتن شود و به کافران ابتکار عمل و چیرگی بخشد، جایز ندانسته و برای حکم به عدم جواز آن به آیه لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا استناد می‌کند که خداوند هرگز برای کافران بر ضد مومنان راهی قرار نمی‌دهد. (خامنه‌ای، کتاب جهاد: بحث مهاده) فقه گفتاری ایشان نیز موید این دیدگاه است. ایشان با طرح بحث عزت در سیاست خارجی در توضیح معنای عزت به اصل لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا اشاره می‌کند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۰: ۹۶) همچنین تصریح می‌کند که امروز بر دنیا نظام سلطه حاکم است. نظام سلطه، یعنی اینکه کسی در دنیا به اتکای سر نیزه و زور، قلدری بکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند. ایشان بزرگترین بلاهای عالم برای ملت‌های دنیا را نظام سلطه می‌داند. (همان، بیانات سال ۶۸: ۴۰۱) آیت الله خامنه‌ای نظام سلطه را دارای دو طرف می‌داند. یک طرف، سلطه‌گرها که همان ابرقدرت‌هایند؛ و طرف دیگر، دولت‌های سلطه‌پذیر هستند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه‌ی ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند. ایشان دولت‌های سلطه‌پذیر را هم شریک جرم معرفی می‌کند. (حدیث ولایت، بیانات سال ۶۸: ۱۹۳)

آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به یک استفتاء، پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند را اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیر اسلامی دشمن یا باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود و یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد دارای اشکال و حتی در بعضی از موارد جایز نمی‌داند. (خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، تشبه به کفار و ترویج فرهنگ آنان، مسئله ۱۳۷۷) آیت الله خامنه‌ای استثمار، سلطه‌پذیری، تحقیر ملت به وسیله‌ی قدرتهای سیاسی دنیا، وابستگی سیاسی، نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور را به صورت قاطع نفی می‌کند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۸۷: ۱۸۵) ایشان در پاسخ به استفتائی دیگر اشاره می‌کند که تقویت اقتصاد دشمن برای استثمار سرزمین‌های اسلامی و یا وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی اشکال دارد. (اجوبه الاستفتاءات، تشبه به کفار و ترویج فرهنگ آنان، مسئله ۱۳۷۷) آیت الله خامنه‌ای همچنین بر فراهم کردن وسائل پیشرفت و شکوفائی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی تأکید می‌کند. (خامنه‌ای، بخش استفتاءات در سایت، ولایت فقیه و حکم حاکم: سؤال ۶۳)

ایشان در یک استفتا می‌گوید اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سرتاسر عالم تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و بکارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند بدون اینکه فرقی بین کالایی با کالای دیگر و دولتی با دولت دیگر از دولت‌های کافری که دشمن اسلام و مسلمین هستند وجود داشته باشد و این حکم هم اختصاصی به مسلمانان ایران ندارد. (خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، تجارت با غیر مسلمان، مسئله ۱۳۵۵)

ایشان شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی یا شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را به این معنا می‌داند که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیزم شرق و نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال غرب ارتباطی دارد. (همان، بیانات، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰) ایشان استقلال را پایه و مبنای سیاست نظام جمهوری اسلامی و شعار اصلی آن دانسته و استقلال کامل را بدان معنا دانست که زور و زورگویی در هیچ جهتی از هیچ کس قبول نشود و مسائل جهانی طبق معیارهای خود کشور حل و راه آن پیموده شود. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۷۲: ۷۷) ایشان استقلال کامل را شامل استقلال سیاسی و اقتصادی و بالاتر از همه، استقلال فرهنگی می‌داند و معتقد است استقلال اقتصادی از استقلال سیاسی مشکل‌تر و دیرپاب‌تر است. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات سال ۶۹: ۲۵) رهبری استقلال فرهنگی را از استقلال سیاسی و اقتصادی مهم‌تر می‌داند. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، بیانات ۱۳۶۹: ۲۶)

نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله، استخراج نگاه فقهی مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) به مقوله اقتصاد سیاسی بین‌المللی بود. برای رسیدن به این هدف، ابتدا اقتصاد سیاسی بین‌المللی و سابقه و تعریف آن تشریح شد و سپس به استخراج نگاه فقهی آیت الله خامنه‌ای اقدام شد. در استخراج نگاه فقهی مقام معظم رهبری^(مدظله العالی)، تلاش شد تا نگاه ایشان را در قالب دو دسته بندی مبانی و اصول تبیین کرد. در بررسی آراء و نگاه فقهی ایشان مشخص شد که می‌توان ۸ مبنا و ۱۳ اصول را به عنوان شالوده و چارچوب نگاه فقهی ایشان به اقتصاد سیاسی بین‌المللی معرفی کرد.

در بررسی مبانی فقهی اقتصاد سیاسی بین المللی از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ۸
مبنای ذیل استخراج شد که عبارتند از ۱- خدا محوری، ۲- غیب باوری، ۳- اسلام محوری، ۴-
معنویت محوری، ۵- ولایت محوری، ۶- اخلاق محوری، ۷- عدالت محوری و ۸- ظلم ستیزی.
این ۸ مبنا مانند ۸ ستون اساسی و کلی برای اقتصاد سیاسی بین المللی اسلامی هستند. خدا
محوری و اسلام محوری به جنبه قوانین و ریشه قوانین در اقتصاد سیاسی بین المللی اسلامی
اشاره دارد و معنویت محوری، اخلاق محوری، عدالت محوری و ظلم ستیزی به جنبه اخلاقی،
ارزشی و هنجاری اقتصاد سیاسی بین المللی اسلامی و ولایت محوری به جنبه حکومتی و
حاکمیتی و غیب محوری نیز به این حقیقت که در اقتصاد سیاسی بین المللی اسلامی علاوه بر
عناصر مادی، عناصر معنوی نیز وجود دارد که دارای اصالت و اهمیت است.

هر یک از این مبانی از منابع دینی که عبارت از قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام
است گرفته شده است و ریشه‌ها و مشروعیت خود را از منابع دینی گرفته است. با این استناد،
هر اصل اقتصادی در اقتصاد سیاسی بین المللی اسلامی باید قابل توجیه و تأیید توسط یکی از
این مبانی هشت گانه باشد و در غیر این صورت دارای هیچ مشروعیتی نخواهد بود. از طرفی
توجه به این نکته لازم است که این مبانی هشت گانه همواره در طول تاریخ ثابت و لا یتغیر بوده
و قابل جابجایی و انتقال و یا نادیده انگاری نیستند.

البته با توجه به اینکه اجتهاد و فقه پویای شیعه در دوره‌های مختلف فقهی، ممکن است
فهم و یا استنباط جدیدی از برخی منابع اسلامی داشته باشد، این پویایی و تحرک و تغییر در
بخش اصول اقتصادی سیاسی بین المللی اسلامی و نه در بخش مبانی قابل تحقق است تا اصل
تطابق با شرایط و تغییرات و مقتضیات زمان را پوشش دهد. بنابر این، اصول اقتصاد سیاسی
بین المللی که خاص حوزه اقتصاد سیاسی بین المللی است و مشروعیت خود را از مبانی این
حوزه گرفته است، در عین حال که دارای یک ثبات می‌باشد، در عین حال، ممکن است در
دوره‌های طولانی زمانی به دلیل شرایط زمانه دچار تغییراتی گردد و بسته به شرایط زمانه،
اصول اقتصادی جدیدی از سوی فقها ارائه گردد. این واقعیت به خوبی در برخی از اصولی که
مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به آن اشاره نموده، قابل شناسایی است.

در بررسی نگاه فقهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به حوزه اقتصاد سیاسی بین المللی
اسلامی، ۱۳ اصول استخراج گردید. این اصول عبارتند از ۱- اقتصاد مقاومتی، ۲- آزادی
اقتصادی، ۳- انفاق اقتصادی، ۴- نظارت و مراقبت دولت اسلامی بر فعالیت‌های اقتصادی برای

جلوگیری از بغی و ستم، ۵- اقتصاد عامل اعتلای سیاسی در نظام بین‌الملل، ۶- رفاه عمومی و عدالت اقتصادی، ۷- مبارزه با فساد مالی و اقتصادی، ۸- همکاری اقتصادی در میان کشورهای اسلامی، ۹- خصوصی سازی اقتصاد، ۱۰- افزایش ثروت ملی و عدالت اجتماعی، ۱۱- رد استعمار ملت‌ها، ۱۲- خود اتکایی و ۱۳- نفی سلطه کفار بر مسلمین و استقلال دولت اسلامی.

این اصول که در شرایط فعلی بر اساس نیازها و شرایط جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل توسط مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) اشاره شده؛ منطبق با شرایط امروز یک دولت اسلامی در نظام بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. به نحوی می‌توان از این اصول ۱۳ گانه اینگونه استنباط کرد که اقتصاد سیاسی بین‌المللی مورد تأیید مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) نیز اقتصاد سیاسی است که منطبق با این اصول ۱۳ گانه باشد. عبارتی اقتصاد سیاسی بین‌المللی مورد تأیید ایشان است که بر اساس مقاومت در برابر نظام سلطه شکل بگیرد و خود اتکا و مستقل باشد و مخالف با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری باشد. اقتصاد سیاسی بین‌المللی مورد تأیید مقام معظم رهبری^(مدظله العالی)، اقتصادی است که به دنبال عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی و افزایش رفاه و ثروت ملی و اجتماعی و ریشه کن فقر و تبعیض باشد. در چنین اقتصادی نقش بخش خصوصی برجسته است و دولت باید به تدوین سیاست‌ها و نظارت و کنترل و جلوگیری از فساد بپردازد. در چنین اقتصادی مشارکت مردم و انفاق با هدف کمک به دولت و ریشه کنی فقر و تبعیض اجتماعی باشد.

فهرست منابع

- افراخته، حسن، حججی پرو، محمد (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان، پیاپی ۱۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). در دیدار دست اندرکاران بنیاد هاد، تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). روابط بین‌الملل در اسلام، قم: انتشارات اسراء.
- حمدی، غلامحسین (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی لیبرالیسم و نئولیبرالیسم؛ مارکسیسم و نئومارکسیسم در اقتصاد جهانی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۷، صص ۲۳۳-۲۴۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). ۱۹ اسفند، دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶). خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۴ مهر.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶). خطبه‌های نماز جمعه، ۱۱ دی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶). خطبه‌های نماز جمعه، ۱۵ آبان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲). فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۰ اردیبهشت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵). بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۳۰ بهمن.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶). بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۵ اردیبهشت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵). ابلاغ سیاست‌های راهبردی و بسیار مهم نظام درباره بند ج اصل چهل و چهار قانون اساسی، ۱۱ تیر.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). سخنرانی در اجتماع عظیم مردم و مسئولین در حرم رضوی، ایسنا، ۱ فروردین.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). مطالعه بیشتر درباره اندیشه اقتصادی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سایت فارسی آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵ دی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲). تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۲ مرداد.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۲۵ شهریور.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). اجوبه الاستفتائات، سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ بازدید دیماه.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵). **بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران**، ۸ شهریور.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴). **رساله اجوبه الاستفتائات**، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). **درس خارج فقه، کتاب جهاد**، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ بازدید دیماه ۹۳.
- خامنه‌ای، سید علی. **استفتائات سایت**، بخش ولایت فقیه و حکم حاکم.
- خامنه‌ای، سید علی. **رساله آموزشی احکام و مسائل شرعی، دو جلد، مطابق با فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای**، سایت دفتر حفظ و نشر آثار، نسخه قابل چاپ ۹۳/۷/۱۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹). **مجموعه حدیث ولایت**، (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری^(مدظله العالی))، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، (بیانات رهبری از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹)
- پیغامی، عادل (۱۳۸۹). **مباحثی در مرزهای دانش اقتصاد اسلامی**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- قائم‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۰). «اقتصاد سیاسی تطبیقی، کتابداری، آرشیون و نسخه پژوهی»، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، شماره ۴۸، صص ۵۸ تا ۶۲.
- کهنف، منذر (۱۳۸۵). **سیدحسین میرمعزی، «علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش»**، **اقتصاد اسلامی**، سال ششم.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۰). **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- متقی، سمیرا (۱۳۹۵). «اقتصاد سیاسی بین‌المللی، از سرمایه داری و کمونیسم تا انقلاب اسلامی»، **فصلنامه رهیافت**، سال دهم، شماره ۳۶، پاییز.
- مقدم، وحید، برزانی، محمد واعظ (۱۳۹۵). «ارزیابی کتب اقتصاد ایران بر اساس اهداف نظام اقتصادی اسلام»، **فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی**، شماره چهاردهم، بهار.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۶). «روش فلسفه علم اقتصاد اسلامی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۲۷، سال هفتم.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۷). «آزادی‌ها و مسئولیت‌های اقتصادی مردم از دیدگاه اسلام»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، زمستان، سال ششم، شماره ۳۲.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۵). «نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، تابستان، سال ششم.

فصلنامه راهبرد سیاسی؛ سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۷

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۴). «فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، زمستان، شماره ۵۹، سال پانزدهم.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۶). «موضوع علم اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، زمستان، شماره ۲۸، سال هفتم.